

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهزاد مالکی
۱۵ اپریل ۲۰۱۶

ترکیه در چنبره تضادهای سرمایه داری و اسلامگرایی

۲

ترکیه و همسایگان آن:

اسرائیل، ایران، مصر، سوریه، عراق و کردستان

مشاور و وزیر خارجه ترکیه بود، ایدئولوگ سیاست موسوم به «نوعثمانی» می دانند (۱). نظریه ای که خواهان وحدت «امت مسلمان» در یک فدراسیون دولت های مسلمان، از جمله ایران و سوریه زیر حمایت دولت ترکیه، برای یک تغییر و مدرنیزاسیون صلح آمیز بود. ترکیه با تکیه بر دینامیسم سرمایه داری خویش به دنبال جایگزینی برای پیوستن به اتحادیه اروپا بود. ایران در این گشایش جدید ترکیه از اهمیت زیادی برخوردار بود. روابط نزدیک ایران و ترکیه و عضویت مشترک در پیمان سعد آباد (بین ایران و ترکیه و پاکستان و عراق در تاریخ ۱۷ تیر [سرطان] ۱۳۱۶ - ۸ جولای ۱۹۳۷) و سنتو (یا پیمان بغداد که در فبروری سال ۱۹۵۵ بین ایران، ترکیه، عراق، پاکستان، انگلستان و امریکا برقرار شد) در زمان پهلوی ها در مجموعه ستراتیژیک - امنیتی غرب قرار داشت. با استقرار حکومت اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ و کودتای ۱۹۸۰ در ترکیه، این روابط وارد مرحله جدیدی شد. دو گرایش متفاوت ایدئولوژیک و دو حوزه ستراتیژیک در رقابت با هم به ویژه پس از سقوط شوروی که منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را وارد این حوزه رقابت و نفوذ کرد، هر دو طرف از همان زمان یک دیگر را رقیب و منازع هم می دیدند. به علاوه رژیم کنان اورن در چارچوب ستراتیژی عمومی امریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران عمل می کرد. تا مدتی پشتیبان اپوزیسیون سلطنت طلب بود. با روی کار آمدن حکومت اسلامگرای اردوخان و نگاه مشترک دو حکومت در اسلامی کردن جامعه سکولار و فاصله گرفتن اردوخان از اسرائیل، فاز جدیدی در روابط دو کشور گشوده شد؛ که با سفرهای اردوخان نخست وزیر در ۲۰۰۴، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ و عبدالله گول رئیس جمهور در ۲۰۱۱ به ایران رقم خورد. ترکیه در نزدیکی با ایران، منافع اقتصادی مهمی را جست و جو می کرد. نیاز این کشور به انرژی نفت و گاز ایران که به کاهش وابستگی ترکیه به منابع روسیه هم کمک می کرد و بازار عظیم مصرف و سرمایه گذاری ایران برای صنایع تولیدی و صادراتی رو به رشد ترکیه اهمیت زیادی داشت. سرمایه گذاری ترک ها در صنایع اتومبیل و پتروشیمی و همکاری های اقتصادی در زمینه های ترانسپورت، مخابرات، بهداشت و تأسیس بانک سرمایه گذاری مشترک با همکاری کشور

عراق در ۲۰۱۰، توافق انتقال گاز ایران به اروپا از طریق ترکیه در کادر پروژه « کریدور گاز جنوبی» کمیسیون اروپا و ایجاد منطقه آزاد تجاری در ماکو در مرز ترکیه از آن جمله اند. همکاری های سیاسی- نظامی ایران و ترکیه در کردستان در مقابله با پ. ک. ک و پژاک (حزب زندگی آزاد در کردستان) ایران، نزدیک به PKK یکی دیگر از محورهای این نزدیکی بودند. که با دخالت های ترکیه در سوریه و سرکوب کردهای سوریه از جانب ترکیه، دچار تغییر گردیده است. ترکیه حتی برای تثبیت نقش کلیدی اش در خاورمیانه، به همراه برزیل در ماه مه ۲۰۱۰، ایران را به عقد قراردادی برای محدود کردن ستراتیژی هسته ای اش تشویق کرد که با مخالفت غرب و شکست مذاکرات ۱+۵ در استانبول جنوری ۲۰۱۰ و اپریل ۲۰۱۲ به نتیجه نرسید و موجب دلسردی ترکیه گردید. توسعه این سیاست به تدریج به واسطه بروز اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی و سیاست های نامتوازن ایران محدود شد. حوادث موسوم به «بهار عربی» و به ویژه دخالت های دو کشور در سوریه در دو جبهه مخالف، آنها را در مقابل هم قرارداد. ایران با عقد قراردادی با سوریه برای انتقال گاز و نفت از طریق عراق به سوریه و از آنجا به اروپا، پروژه عربستان و قطر را که به دنبال همین امر بودند، به عقب راند و همچنین پروژه انتقال انرژی از طریق ترکیه را نیز لغو کرد. نزدیکی ایران به دولت عراق و تشکیل هلال شیعی بین ایران - عراق - لبنان و سوریه و یمن، موجب نگرانی ترکیه و به ویژه گرایش پان اسلامیستی سنی گرا در منطقه گردید. در کردستان عراق نیز ایران با حمایت از جلال طالبانی و جبهه میهنی در مقابل سیاست ترکیه قرار گرفت که از بارزانی و حزب دموکرات کردستان پشتیبانی می کرد. همه اینها موجب چرخشی در سیاست های ترکیه گردید که به آن در سطور بعدی خواهیم پرداخت.

حمایت ترکیه از تظاهرات میدان تحریر مصر- اول فبروری ۲۰۱۱ - و اعلام این که «حسنى مبارك باید به مطالبات مردمش گوش دهد.» چرخشی دیگر در سیاست ترکیه در منطقه، به دنبال جنبش های مردمی بود. ترکیه با استفاده از این فرصت سعی کرد به صحنه خاورمیانه که در زمان عثمانی زیر نفوذش بود باز گردد. ترکیه در این بازار به دنبال فروش «مدل اسلامی» خود و تأمین هژمونی اش بود. سقوط مبارک در ۱۱ فبروری و صعود محمد مُرسی Morsi فرصتی طلایی برای نزدیکی ترکیه اسلامی و مصر اخوانی بود. سفر عبدالله گول در ماه مارچ ۲۰۱۱ و اردوخان در سپتمبر همان سال به مصر و کمک یک میلیاردی ترکیه به آن در راستای گسترش جبهه اسلامی و بدیل سازی برای دولت های در حال سقوط در تونس و لیبیا و سوریه و ... بود. اردوخان در این مسیر، پا در جای پای محمد مُرسی همفکرش در مصر نهاد که پس از کسب قدرت و تثبیت موقعیتش در برابر ارتش، در ۲۲ نومبر ۲۰۱۲ اعلام کرد که فرامین او به مثابه ریاست جمهور، فراتر از قوه مقننه، قضائی و همه دستگاه های نظارتی قرار دارد. او با فرمان ۲۲ نومبر، خود را به فرمانروای مطلق مصر بدل ساخت. راه پارلمانی برای مُرسی و اردوخان این نمایندگان اخوانی و اسلام گرا، پله ای برای کسب اختیارات مطلق و انحصاری است. مدل ترک که توسط جنبش النهضة در تونس ارائه می شد، مورد تأیید غرب نیز بود. چرا که این مدل اسلامی حکومت که لیبرالیسم اقتصادی را با نوعی به اصطلاح دموکراسی مذهبی ترکیب می کرد، می توانست در راستای اهداف سرمایه داری جهانی قرار گیرد. غرب به ویژه فرانسه، انگلستان، المان و امریکا از حول حلیم به داخل دیگ افتادند و با دخالت نظامی در لیبیا و سوریه در صدد جلوگیری از این جریان برآمدند که به نتایج غیر قابل انتظار منجر شد. مصر و ترکیه از سقوط لیبیا و دخالت غرب در آنجا استقبال کردند و با شروع تظاهرات مخالفان در سوریه به دفاع از مخالفان برآمدند و خواهان سقوط بشار اسد شدند. رابطه گرم ترکیه با بشار در سپتمبر ۲۰۱۱ با رد کردن توصیه های اردوخان به هم خورد و ترکیه نخست به دفاع سیاسی و سپس نظامی از مخالفان او روی آورد. جون و جولای ۲۰۱۱ جلسات مخالفان سوریه در ترکیه زیر پوشش سازمان های حقوق بشری چون «مظلوم در» تشکیل شد و «شورای ملی سوریه» در استانبول اعلام وجود کرد.

همچنین هسته های اصلی ارتش آزاد سوریه در آنجا شکل گرفتند. ترکیه با وارد شدن در بازی ستراتیژیک غرب و کشورهای ارتجاعی عرب چون عربستان و قطر و با یک اشتباه محاسبه، روی سقوط سریع اسد مثل مبارک، شرط بست و فکر می کرد که سوریه هم مانند تونس، مصر و لیبیا سریعاً سقوط خواهد کرد. مقاومت اسد و خوشنوتی که در سرکوب مخالفان به کار بست و تکیه بر روی متحدان منطقه ای و جهانی اش چون حزب الله لبنان، ایران و روسیه، غلط بودن این محاسبه را نشان داد. وزن اخوانی ها به رغم پایه نسبتاً ضعیفشان در جامعه سوریه، در شورای ملی سوریه بالا بود. ولی در صحنه جنگ داخلی سوریه، این نیرو نیز سریعاً توسط جریانات جهادی و تروریستی اسلامی به عقب رانده شدند. حمایت این یا آن قدرت منطقه ای از فراکسیونهای مختلف اپوزیسیون سوری و اختلاف مابین آنها از وحدت آنها جلوگیری کرد و پس از شکست (CNS)، جاده برای جهادی ها بازگردید. ترکیه با بازکردن راهها برای پیوستن جهادی ها و نیروهای القاعده به سوریه و مسلح کردن مخالفان اسد این بار برای رسیدن به اهدافش در سوریه و شکست اسد و محدود کردن کردها در ایجاد دولتی متحد در آنجا، به اتحاد با شیطان رو آورد. ارتش سوریه آگاهانه و اندکی به طور اضطراری مناطق شمالی کردنشین را ترک کرد و این مسأله به تشکیل نیروی واقعی کرد تحت رهبری حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) منجر شد. پ-ی-د حزبی سیاسی در [کردستان سوریه](#) است که در سال ۲۰۰۳ توسط [جیگر ایان کرد](#) در شمال سوریه تأسیس شد. حزب پ-ی-د رابطه نزدیک و ایدئولوژیک با [حزب کارگران کردستان](#) دارد.

سوم جولای ۲۰۱۳ نظامیان مصری با استفاده از تظاهرات مردمی به ضد دولت اخوانی، مرسی را از کار برکنار کردند و او را با سایر رهبران اخوان المسلمین به زندان افکندند و به سرکوب اخوانی ها پرداختند. این امر و شکست انتخاباتی النهضت در تونس و ازهم پاشیده شدن لیبیا، شکستی برای سیاست عربی ترکیه بود؛ که این کشور را به دامن سیاستی دیگر انداخت که می توان آن را داعشی شدن نامید که عوارض وخیمی در سیاست داخلی ترکیه به بار آورده است.

ترکیه و مسأله کردها:

به دنبال شکست امپراتوری عثمانی و تقسیم متصرفاتش، استقلال کردستان که یکی از وعده های قدرت های استعماری غالب بود، به سرعت به فراموشی سپرده شد و نطفه سنیز دائمی در منطقه بسته شد که تا به امروز ادامه دارد. ترکیه در مرزهای کنونی اش از ۱۹۲۲ بر بخش مهمی از منطقه کردنشین مسلط شد و در ۱۹۲۵ زیر فشار جامعه ملل از مطالباتش در مورد ایالت مهم موصل در کردستان کنونی عراق صرف نظر کرد. بن بست سیاسی-اجتماعی حاصل از کودتاهای متعدد و سرکوب مطالبات به حق مردم کردستان و کشتار آنها به دست حکومت کودتا به بحرانی سیاسی بدل گردید. کردها ۲۰ درصد جمعیت ۸۵ میلیونی ترکیه را تشکیل می دهند. اولین جنبش استقلال طلبانه و مسلحانه کردها به سال ۱۹۲۰ برمی گردد. در دوره های اخیر، جریان کردستان انقلابی به رهبری «حقی قرار» که در مرز سوریه ترور شد، جبهه جدیدی را گشود که تا به امروز ادامه دارد. حزب کارگران کردستان - پ. ک. ک - در ۱۵ اگست ۱۹۸۴ با حمله به پاسگاه پولیس «شم دینالی» اعلام موجودیت کرد. دولت ترکیه با ربودن «عبدالله اوجالان» رهبر PKK در ۱۶ فبروری ۱۹۹۸ سعی کرد که تغییری در سیاست خود با کردها بدهد. با شناسائی دولت اقلیم کردستان توسط ترکیه در زمان داود اوغلو و در پی سیاست «صفر مسأله با همسایگان» تبادل بازرگانی کردستان و عراق با ترکیه افزایش زیادی یافت. در ۲۰۱۲ مبادله بازرگانی ترکیه با عراق به ۱۳.۲ میلیارد دلار رسید که بخش عمده آن با اقلیم کردستان بود. در این میان، نفت و گاز کردستان، عامل مهمی در گسترش این روابط است. کمپانی «Gemel enerji» ترکی، عامل اصلی در اجرای پروژه های نفتی در کردستان است و انتقال نفت از طریق احداث سومین لوله نفتی بین کرکوک و بندر

سیحان در ترکیه، در قلب این پروژه قرار دارد. یکی از اهداف ترکیه در نزدیکی به حزب دموکرات کردستان PDK استفاده از رقابت موجود بین احزاب کردستان به منظور محدود کردن PKK در ترکیه و PYD در سوریه است. بارزانی و اردوخان در محدود کردن این دو دارای منافع مشترک هستند. چرا که گسترش نفوذ این دو سازمان با ایدئولوژی مخالف و تأثیرشان بر گروه های مخالف اقلیم کردستان، آنها را به وحشت انداخته است. صالح مسلم رهبر حزب اتحاد دموکراتیک مردم PYD یکی از احزاب کرد سوریه، آشکارا خواستار برپائی یک حکومت انتقالی در حوزه کردستان سوریه، در چهارچوب یک راه حل فدرالیستی است. تأسیس کانتون های خود مختار و شیوه اداری دموکراتیک در مناطق تحت نفوذ، شبحی است که خواب از چشمان همه رهبران سیاسی ترکیه ربوده و زیگزاگ های پی در پی این کشور را درباره کردستان توضیح می دهد.

در مقابل واقعیت های جدید در صحنه سیاسی سوریه و عراق، ترکیه یک بار دیگر به تغییر ستراتیژی خود در برابر کردها پرداخت و به مذاکره با PKK مهمترین متحد PYD روی آورد. عبدالله اوجلان از زندان خود، مذاکرات صلح و آتش بس را (از مارچ ۲۰۱۳) هدایت می کرد. ترکیه امیدوار بود که در عوض خرید صلح با PKK و دادن امتیازاتی فرهنگی - سیاسی به آن، حزب اتحاد دموکراتیک را در سوریه محدود کند و با جلوگیری از وحدت این دو حزب، سیاست توسعه طلبانه اش را در آنجا ادامه دهد. صالح مسلم رهبر PYD در اگست ۲۰۱۳ به ترکیه دعوت شد. اما این تاکتیک اردوخان به واسطه وخامت اوضاع در داخل ترکیه بعد از حوادث «پارک گزی» نتوانست نتایج مورد نظر ترکیه را برآورده کند.

ادامه دارد

پینوشت ها:

(۱) احمد داوود اغلو وزیر خارجه ترکیه گفت که صد و ده سال پیش یمن، ارزروم و بنغازی یک کشور بوده اند، وقتی ما این مطلب را می گوئیم به ما می گویند که ترکیه به دنبال نو عثمانی گری است. به گزارش خبرگزاری «تابناک»، وزیر خارجه ترکیه اضافه کرد چرا به کسانی که اروپای واحد را تشکیل داده اند این را نسبت نمی دهند و آنان را احیاءگر امپراتوری روم نمی دانند؟ چه اشکالی دارد که ترکیه به دنبال ایجاد جغرافیای واحد خاورمیانه باشد؟ داوود اغلو همچنین معتقد است بدون این که ترکیه وارد جنگ با کشوری شود و بدون این که طمع به سرزمین های دیگران داشته باشد می تواند یک بار دیگر سارایوو را به دمشق و دمشق را به باتوم متصل کند. او می گوید این نقطه قوت ماست. وزیر خارجه ترکیه اضافه کرد که صد سال پیش یمن و ارزروم و بنغازی یک کشور بودند اگر چه امروزه کشورهای متفاوتی به نظر می رسند. ما افتخار می کنیم به گذشته و امپراتوری عثمانی و ایوبی. اما چشم طمع به سرزمین هیچ کشوری نداریم. چرا ترکیه را که به دنبال خاورمیانه واحد است، متهم به عثمانی گری می کنند؟

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1913597>